



او هم یکی از بنندگان خداسنت، یکی از همان انسان‌هایی که روی زمین راه می‌روند و زندگی می‌کنند، اما گویا هدیه خداوند است به بنندگان نشانه‌ای است برای اهل ایمان که بگویند می‌توان در زمین خاکی زیست و ایمانیات بسیار بالا و خوبی داشت که قابل تحسین ترکش داشت و برای خدمت به پندگاران خدا، لطف‌های آرام نشنست، می‌توانی شیعه باشی و دلت برای کمک به مردان و زنان و کودکان اهل سنت بتپد. آری امثال سردار شهید حبیب لکزایی‌ها آمدند تا به ما بگویند در همین دنیای پر از زر و زور و تزویر می‌توان آسمانی زندگی کرد و سعادت‌مند شد.

زندگی پرپرکت سردار لکزایی سرشار از عبرت و پند است؛ لذا بر آن شنیدیم تا با کمک دوستان و همکاران این شهید گرفتار قد گوشه‌ای از سیره این عزیز سفر کرده را در رشته تحریر درآوریم تا شاید در ظلمت کده نفسانی چراغ راهمان شود.

حبیب لک زایی روز ۱۸ شهریور ۱۳۴۲، در خانواده‌ای روحانی دیده به جهان گشود. پدرش روحانی، و از مبارزان دوران ستم شاهی بود؛ روح مبارزانی، از کودکی در وجود حبیب ریشه دواند، تا آنجا که از او فردی شجاع ساخت که در دوران کودکی و جوانی، خواب آرام را از چشماند افتلاب، به کاپوس تبدیل کرده آری، او پاسداری شد که اهالی، زیر سایه صلابت او آرامش می‌یافتند.

حجاج حبیب لک زایی، در این دوران، با وجود اینکه دانش آموز بود، با کارهایی همچون: «پاره کردن عکس خاندان منجوس پهلوی از کتابهای درسی»، «آموزش قرآن»، «بخش کردن عکس و رساله در میان انقلابی‌ها» و «نوشتن شعار بر دیوارهای روستا و مدرسه»، در صف نخست «مبارزان انقلابی زابل» جای گرفت.

وی پس از پیروزی انقلاب، افزون بر ایفای نقش فعال و تأثیرگذار در محرومیت‌زدایی از منطقه زابل و شرکت در برنامه های فرهنگی، با جبهاد سازندگی نیز همکاری داشت. همچنین او در ۸ تیر ۱۳۶۰، به عضویت سپاه پاسداران درآمد و چندین بار در جبهه نبرد حق علیه باطل، حضور پیدا کرد. حبیب لک زایی در شرایطی به جنگ می‌رفت که فرماندهان، به حضور او در پشت جبهه، و تلاش برای تقویت نیروهای اعزامی تمایل بیشتری داشتند؛ بر این اساس، بارها پس از ورود به جبهه، بنا بر دستور فرماندهان، به عقب باز می‌گشت. وی در سال ۱۳۶۷، در منطقه شلچه به شدت مجروح شده، به طوری که ۴ روز ز بی‌هوشی به سر برد. گفتنی است، ۷۷ درصد جراحات، یادگار همین محرومیت‌های بود و در ترکش های ایفاینامه در ناحیه سر، گردن، چشم، قفسه سینه و دیگر قسمتهای بدن، سالها با این سردار پرتلاش هم‌نشین شدند. سردار لک زایی از ابتدای جنگ تا لحظه شهادت، مسئولیت‌های بسیار را بر عهده داشت. این سردار نسبت به سپاه اسلام که «مدال جانباز نمونه کشور در زمینه مبارزه با تهاجم پرتلاش هم‌نشین شدند. مدارک لک زایی از ابتدای جنگ تا لحظه شهادت، مجموعه‌ای از برعهده‌هاست. این سردار نسبت به سپاه اسلام که «مدال جانباز نمونه کشور در زمینه مبارزه با تهاجم فرهنگی» را نیز بر سینه داشت، در سال ۱۳۷۰ به پاس تلاش در حراست از مرزهای کشور، از سوی مقام معظم رهبری(مد ظله العالی) مورد قدردانی قرار گرفت. افزون بر این، وی در طول حیاتش، بارها توسط نهادهای عالی رتبه نیروهای مسلح، تشویق و تقدیر شد.

سردار شهید حاج حبیب لک زایی که خطیبی توانا و زبردست بود، قلمی روان نیز داشت؛ به گونه ای که مقالات کوتاه‌تری از او به یادگار مانده است. شایان توجه است، وی در «هشتمین اجلاس سراسری نماز» به عنوان «نگارنده مقاله برتر» و در تابستان سال ۱۳۹۱ نیز به عنوان «مبلغ نمونه مهدوی» در «هشتمین همایش بین المللی کتدرین مهدویت» مورد تجلیل قرار گرفت. سردار «لی اعدا و گننام زمین» و «نم آشنای آسمانی‌ها» که ۲۵ مهر ۱۳۹۱، در مأموریت کاری و در لباس سبزر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در بیمارستان بعثت نیروی هوایی ارتش، مصادف با ساوروز شهادت خفرت امام جواد(علیه السلام) و سومین سالگرد شهادت سرداران شهید نورعلی شوشتری و شهید رجب علی محمدراده که به تعبیر سردار شهید لک زایی، «شهادی وحدت، امنیت و خدمت» بودند، به فیض رفیع شهادت نائل شده، در سایه سپیدارهای ملکوت آرمید. راهش شریف برپرو باد.

**فعالیت آگاهانه همراه با صداقت و پاکی**

سردار ابوالقاسم پاپایان معاون وقت سپاه می‌گوید شهید لکزایی یکی از سربازان مجبور و جان پر کف سپاه بودند. هنگامی که برای ارزیابی فعالیت‌های مأموریت و هم از عناوینی می‌گذشت، که بعضا برخی ممکن است برای رسیدن به این مدیریت‌ها و مسئولیت‌ها تلاش می‌بکنند. در یک مقطعی هم می‌خواستیم ایشان را برای جانشینی فرمانده سپاه سلمان منصوب کنیم که ایشان هم گفتند: «هر کس دیگری هست که جانشین بگردد؛ بهتر است و من به عنوان یک سرباز خدمت گزار در هر جایی که در منطقه سیستان و بلوچستان به ما واگذار کنید همان جایگاه وظیفه می‌کنم.» ایشان لیاقت و شایستگی و مسئولیت‌های بالاتری را داشتند، اما به خاطر اینکه به مردم سیستان و منطقه خودشان خدمت کنند، این ایثار و خود گذشتگی را نشان دادند که در همان منطقه بمانند و آنجا کار کنند.

از هر جهت بود. هم خارج از وقت کاری خودش خدمت می‌کرد و فعالیت شبانه‌روزی داشت و هم از عناوینی می‌گذشت، که بعضا برخی ممکن است برای رسیدن به این مدیریت‌ها و مسئولیت‌ها تلاش می‌بکنند. در یک مقطعی هم می‌خواستیم ایشان را برای جانشینی فرمانده سپاه سلمان منصوب کنیم که ایشان هم گفتند: «هر کس دیگری هست که جانشین بگردد؛ بهتر است و من به عنوان یک سرباز خدمت گزار در هر جایی که در منطقه سیستان و بلوچستان به ما واگذار کنید همان جایگاه وظیفه می‌کنم.» ایشان لیاقت و شایستگی و مسئولیت‌های بالاتری را داشتند، اما به خاطر اینکه به مردم سیستان و منطقه خودشان خدمت کنند، این ایثار و خود گذشتگی را نشان دادند که در همان منطقه بمانند و آنجا کار کنند.

۵ می ۱۹۷۰ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۹) در منطقه «نصار» از توابع شهرستان «نبطیه» در جنوب لبنان به دنیا آمد. دوران کودکی را هنوز به پایان نرسانده بود که حضور نظامیان صهیونیست را در زادگاهش دید. ارتش اشغالگر در همان زمان (۱۹۸۲/۱۳۶۱) فرودگاه متعلق به «سازمان آزادیبخش فلسطین»، که در منطقه انصار ساخته شده بود، را تبدیل به یک اردوگاه بزرگ اسرا کرد

و هزاران فلسطینی و لبنانی را درون آن به اسارت نهاد. تعدادی از فرماندهان و زخمی‌دگان برهمنده تاریخ مقاومت اسلامی از جمله اسرای این اردوگاه بودند.
علاء ۱۲ ساله در همان زمان تصمیم گرفت که در آینده یک روزمنده مبارز شود. این ارزو کمتر از ۶ سال بعد محقق شد.
\*\*\*

اولین تجارب رزمی را در «نبرد پایگاه‌ها» در «قلعیم الفتح» به دست آورد؛ نبردی که دوره اول آن قبل از پیمان ظلف بود و رزمندگان مقاومت اسلامی توانستند در یک سلسله هجوم موفق، ضربات قابل توجهی به نغرات و مواضع نیروهای اسرائیلی و مزدوران لحدی در جنوب لبنان وارد کنند. این نبرد با طراحی فرماندهانی نظیر سردار شهید «حاج سمیر مطوط» آغاز شد و تا آخرین فته اشغال جنوب لبنان (۱۷-۲۴، ۲۳۰۰۰ اردیبهشت-۳ خرداد ۱۳۷۸) ادامه پیدا کرد. دومین تجربه نظامی او، نبرد دو کمین بر سر راه نیروهای ارتش اشغالگر در مناطق شمالی حومه «صور» بود.

اولین تجارب رزمی را در «نبرد پایگاه‌ها» در «قلعیم الفتح» به دست آورد؛ نبردی که دوره اول آن قبل از پیمان ظلف بود و رزمندگان مقاومت اسلامی توانستند در یک سلسله هجوم موفق، ضربات قابل توجهی به نغرات و مواضع نیروهای اسرائیلی و مزدوران لحدی در جنوب لبنان وارد کنند. این نبرد با طراحی فرماندهانی نظیر سردار شهید «حاج سمیر مطوط» آغاز شد و تا آخرین فته اشغال جنوب لبنان (۱۷-۲۴، ۲۳۰۰۰ اردیبهشت-۳ خرداد ۱۳۷۸) ادامه پیدا کرد. دومین تجربه نظامی او، نبرد دو کمین بر سر راه نیروهای ارتش اشغالگر در مناطق شمالی حومه «صور» بود.

پس از فروپاشی یوگسلاوی سابق، بوسنی و هرزگوین به عنوان یک کشور مسلمان جدید از دل این کشور متلاشی شده اعلام موجودیت کرد. صرب‌ها و حامیان‌شان در اروپا که خیال می‌کردند این کشور مسلمان کوچک را ریشه خود، امپراتوری متوف متمدنی، را در پیش می‌گیرد، در بهار ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) جنگ میان صرب‌ها و اربابان بوسنیایی مسلمانان آغاز شد. صرب نشین بوسنی آغاز کردند. صرب‌ها مانند عادت همیشگی در تمام کشتارهای قبلی علیه مسلمانان باکآن، خصوصا قیل و حین جنگ‌های چتانی، از قبیل عمل وحشیانه و غیرانسانی چنم‌پوشی نکردند. سکوت دیگر جای نبود.

«علاء» و دهها نفر از نیروها و افسران زنده مقاومت اسلامی و اهربردی «یگمان» در غرب شهر سنسارپوو بود. تصرف این قله



زندگی‌اش بود نمی‌گفت، از خودش تعریف نمی‌کرد. به قول امروزی‌ها، دکائی برای خودش باز نکرد. ایشان سابقه جبهه خوبی داشت. سابقه خدمتی خیلی خوبی در سیستان و بلوچستان داشت. رده‌های مختلف را؛ از پایین تا بالا پیموه بود. جانباز ۷۷ درصد بود. بیش از ۶۵ ترکش در بدنش بود. یک چشمش را از دست داده بود و بالتر از همه اینها، اینکه پدر شهید بزرگوار وی در این مدتی که با حاج حبیب معاشرت داشت، هیچگاه ندیدم که بیاید و ایسن مطالب را بیان کند، و اینها حاصل اخلاصی بود که داشت و چیز دیگری نبود؛ چون اگر کسی به خاطر خدا کار کند و عملش را به خدا هدیه کند، مزدش را هم از خدا

از نظر روحیه معنوی و ایمانش، از همان آغاز ورودشان به سپاه و مراحل مجاهدتشان در جبهه‌ها و بعد هم حوادث استان سیستان و بلوچستان، در یک صحنه عملی دفاع از انقلاب ساخته شده بود. لکزایی ضمن اینکه در زمان جنگ یک روزمنده بود، در صحنه‌های دفاعی در استان سیستان و بلوچستان هم حضور داشت و ایشان تا زمان شهادتشان در مجاهدت بود. به نظر شهید لکزایی دلازهٔ المعارف وقایع و حوادث و تاریخ انقلاب در استان سیستان و بلوچستان بود.

شهید لکزایی به نظر من از جمله کسانی است که به‌عالی‌ترین‌وجه در ایجاد وحدت و داشتن یک نقش موثر حاکمیتی در استان سیستان و بلوچستان عمل کرد. تعامل و ارتباطش و احترامش به مردم اهل سنت و بزرگان منطقه، به رزمنده‌ها و بسیج‌ها و مسئولین، طوری بود که هیچ‌گاه اجازه طرح فاصله در استان سیستان و بلوچستان را نمی‌داد. از این نظر عمل کرد ایشان و تاریخچه زندگی ایشان، واقعا سرمایه معنوی برای استان سیستان و بلوچستان هست. اینها همه برگرفته از ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.

شهید لکزایی در استان سیستان و بلوچستان، در تعامل با مردم منطقه، همیشه با صبوری خاصی با مراجعین برخورد می‌کرد. استان سیستان و بلوچستان یک استان گسترده است. مراجعین آن که در منطقه جبهاتر از نقاط مختلف دیگری می‌آمدند با ۵۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتر فاصله می‌آمدند، ایشان افراد را درک می‌کرد و با آن صبوری خودش، به حرف‌هایشان گوش می‌داد.

شهید لکزایی، غیر از این ویژگی، انسان مخلصی بود و این اخلاص باعث شده بود عنایات الهی و توجهات الهی شامل حالش شود. هیچ‌گاه در وجودش به اندازه سر سوزنی مثبتی، با کار برای خودش وجود و تلاش بر مردم بود. خودش را سرباز نظام نمی‌دانست. لذا

از این جهت شهید لکزایی، به نحوی عمل کرده بود که توانسته بود، توجه و اعتماد مجموعه جبهه‌ها در درون سپاه، بسیج و قبایل و طوایف را به خودش جلب کند. ایشان یک‌وزنه ایستاد که باعث ثبات و آرامش در منطقه بود. با اینکه مثلا در فاجعه تروریستی تاسوکی، فرزند و دامادشان به شهادت رسیدند و ایشان خودش اولین کسی بود که وارد صحنه تاسوکی شده بود و آن صحنه بسیار دل خراش عملکرد تروریست‌ها را در منطقه دیده بود، اما هیچ‌گاه نوع نگاه او به منطقه و به مسایلی منطقه ملحاقتا تأثیر این حادثه نر گرفت. یعنی بعد از آن وقت‌های خودی‌های شخصیتی ایشان بود.

از جمله نکات و ویژگی‌های بسیار شاخص دیگر شهید لکزایی، بصیرت و آینده‌نگری او و داشتن عملکرد و کارکردهایی که با تأثیری پایدار و همیشگی است. بعد از حادثه تاسوکی و آن فاجعه‌ای که تروریست‌ها در منطقه رقم زدند، شهید لکزایی در حقیقت با اتخاذ تصمیمی که برای برگزاری سالانه مراسم شهادت تاسوکی گرفتند، با تمرکز بر مزار شهدا و تبدیل آن به یک مجموعه فرهنگی، با نشر آثار فراوانی که سالانه در راستای گردمیاختن این شهدا انجام دادند، یک جریان فرهنگی و یک عملیات روانی بسیار عمیق و تأثیر گذار برای افشای ماهیت تروریست‌ها در منطقه پایه‌گذاری کردند و امروز هم شما می‌بینید که در منطقه تروریست‌ها جایی برای تأثیر گذاری در منطقه ندارند و از گوشه و کنج، اقداماتی را انجام می‌دهند، به دلیل همین اتفاقات و همین برنامه‌های تأثیر گذار و داشتن ایده‌های روشن برای معرفی و شهادت تروریست‌ها بود که در شهید لکزایی در اوج خودش وجود داشت.

شهید لکزایی با اینکه جانباز بود و مشکلات جسمی فراوانی داشت، ولی وقت‌گذاری و تلاش شبانه‌روزی او در منطقه بی‌نظیر بود.
علاقه و ارتباطش و احترامش به مردم اهل سنت و بزرگان منطقه، به رزمنده‌ها و بسیج‌ها و مسئولین، طوری بود که هیچ‌گاه اجازه طرح فاصله در استان سیستان و بلوچستان را نمی‌داد. از این نظر عمل کرد ایشان و تاریخچه زندگی ایشان، واقعا سرمایه معنوی برای استان سیستان و بلوچستان هست. اینها همه برگرفته از ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.

شهید لکزایی در استان سیستان و بلوچستان، در تعامل با مردم منطقه، همیشه با صبوری خاصی با مراجعین برخورد می‌کرد. استان سیستان و بلوچستان یک استان گسترده است. مراجعین آن که در منطقه جبهاتر از نقاط مختلف دیگری می‌آمدند با ۵۰۰ تا ۷۰۰ کیلومتر فاصله می‌آمدند، ایشان افراد را درک می‌کرد و با آن صبوری خودش، به حرف‌هایشان گوش می‌داد.

شهید لکزایی، غیر از این ویژگی، انسان مخلصی بود و این اخلاص باعث شده بود عنایات الهی و توجهات الهی شامل حالش شود. هیچ‌گاه در وجودش به اندازه سر سوزنی مثبتی، با کار برای خودش وجود و تلاش بر مردم بود. خودش را سرباز نظام نمی‌دانست. لذا

از این جهت شهید لکزایی، به نحوی عمل کرده بود که توانسته بود، توجه و اعتماد مجموعه جبهه‌ها در درون سپاه، بسیج و قبایل و طوایف را به خودش جلب کند. ایشان یک‌وزنه ایستاد که باعث ثبات و آرامش در منطقه بود. با اینکه مثلا در فاجعه تروریستی تاسوکی، فرزند و دامادشان به شهادت رسیدند و ایشان خودش اولین کسی بود که وارد صحنه تاسوکی شده بود و آن صحنه بسیار دل خراش عملکرد تروریست‌ها را در منطقه دیده بود، اما هیچ‌گاه نوع نگاه او به منطقه و به مسایلی منطقه ملحاقتا تأثیر این حادثه نر گرفت. یعنی بعد از آن وقت‌های خودی‌های شخصیتی ایشان بود.

از جمله نکات و ویژگی‌های بسیار شاخص دیگر شهید لکزایی، بصیرت و آینده‌نگری او و داشتن عملکرد و کارکردهایی که با تأثیری پایدار و همیشگی است. بعد از حادثه تاسوکی و آن فاجعه‌ای که تروریست‌ها در منطقه رقم زدند، شهید لکزایی در حقیقت با اتخاذ تصمیمی که برای برگزاری سالانه مراسم شهدا تاسوکی گرفتند، با تمرکز بر مزار شهدا و تبدیل آن به یک مجموعه فرهنگی، با نشر آثار فراوانی که سالانه در راستای گردمیاختن این شهدا انجام دادند، یک جریان فرهنگی و یک عملیات روانی بسیار عمیق و تأثیر گذار برای افشای ماهیت تروریست‌ها در منطقه پایه‌گذاری کردند و امروز هم شما می‌بینید که در منطقه تروریست‌ها جایی برای تأثیر گذاری در منطقه ندارند و از گوشه و کنج، اقداماتی را انجام می‌دهند، به دلیل همین اتفاقات و همین برنامه‌های تأثیر گذار و داشتن ایده‌های روشن برای معرفی و شهادت تروریست‌ها بود که در شهید لکزایی در اوج خودش وجود داشت.

شهید لکزایی با اینکه جانباز بود و مشکلات جسمی فراوانی داشت، ولی وقت‌گذاری و تلاش شبانه‌روزی او در منطقه بی‌نظیر بود.
علاقه و ارتباطش و احترامش به مردم اهل سنت و بزرگان منطقه، به رزمنده‌ها و بسیج‌ها و مسئولین، طوری بود که هیچ‌گاه اجازه طرح فاصله در استان سیستان و بلوچستان را نمی‌داد. از این نظر عمل کرد ایشان و تاریخچه زندگی ایشان، واقعا سرمایه معنوی برای استان سیستان و بلوچستان هست. اینها همه برگرفته از ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.

از جمله نکات و ویژگی‌های بسیار شاخص دیگر شهید لکزایی، بصیرت و آینده‌نگری او و داشتن عملکرد و کارکردهایی که با تأثیری پایدار و همیشگی است. بعد از حادثه تاسوکی و آن فاجعه‌ای که تروریست‌ها در منطقه رقم زدند، شهید لکزایی در حقیقت با اتخاذ تصمیمی که برای برگزاری سالانه مراسم شهدا تاسوکی گرفتند، با تمرکز بر مزار شهدا و تبدیل آن به یک مجموعه فرهنگی، با نشر آثار فراوانی که سالانه در راستای گردمیاختن این شهدا انجام دادند، یک جریان فرهنگی و یک عملیات روانی بسیار عمیق و تأثیر گذار برای افشای ماهیت تروریست‌ها در منطقه پایه‌گذاری کردند و امروز هم شما می‌بینید که در منطقه تروریست‌ها جایی برای تأثیر گذاری در منطقه ندارند و از گوشه و کنج، اقداماتی را انجام می‌دهند، به دلیل همین اتفاقات و همین برنامه‌های تأثیر گذار و داشتن ایده‌های روشن برای معرفی و شهادت تروریست‌ها بود که در شهید لکزایی در اوج خودش وجود داشت.

شهید لکزایی با اینکه جانباز بود و مشکلات جسمی فراوانی داشت، ولی وقت‌گذاری و تلاش شبانه‌روزی او در منطقه بی‌نظیر بود.
علاقه و ارتباطش و احترامش به مردم اهل سنت و بزرگان منطقه، به رزمنده‌ها و بسیج‌ها و مسئولین، طوری بود که هیچ‌گاه اجازه طرح فاصله در استان سیستان و بلوچستان را نمی‌داد. از این نظر عمل کرد ایشان و تاریخچه زندگی ایشان، واقعا سرمایه معنوی برای استان سیستان و بلوچستان هست. اینها همه برگرفته از ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.

از جمله نکات و ویژگی‌های بسیار شاخص دیگر شهید لکزایی، بصیرت و آینده‌نگری او و داشتن عملکرد و کارکردهایی که با تأثیری پایدار و همیشگی است. بعد از حادثه تاسوکی و آن فاجعه‌ای که تروریست‌ها در منطقه رقم زدند، شهید لکزایی در حقیقت با اتخاذ تصمیمی که برای برگزاری سالانه مراسم شهدا تاسوکی گرفتند، با تمرکز بر مزار شهدا و تبدیل آن به یک مجموعه فرهنگی، با نشر آثار فراوانی که سالانه در راستای گردمیاختن این شهدا انجام دادند، یک جریان فرهنگی و یک عملیات روانی بسیار عمیق و تأثیر گذار برای افشای ماهیت تروریست‌ها در منطقه پایه‌گذاری کردند و امروز هم شما می‌بینید که در منطقه تروریست‌ها جایی برای تأثیر گذاری در منطقه ندارند و از گوشه و کنج، اقداماتی را انجام می‌دهند، به دلیل همین اتفاقات و همین برنامه‌های تأثیر گذار و داشتن ایده‌های روشن برای معرفی و شهادت تروریست‌ها بود که در شهید لکزایی در اوج خودش وجود داشت.

شهید لکزایی با اینکه جانباز بود و مشکلات جسمی فراوانی داشت، ولی وقت‌گذاری و تلاش شبانه‌روزی او در منطقه بی‌نظیر بود.
علاقه و ارتباطش و احترامش به مردم اهل سنت و بزرگان منطقه، به رزمنده‌ها و بسیج‌ها و مسئولین، طوری بود که هیچ‌گاه اجازه طرح فاصله در استان سیستان و بلوچستان را نمی‌داد. از این نظر عمل کرد ایشان و تاریخچه زندگی ایشان، واقعا سرمایه معنوی برای استان سیستان و بلوچستان هست. اینها همه برگرفته از ویژگی‌های شخصیتی ایشان بود.

از جمله نکات و ویژگی‌های بسیار شاخص دیگر شهید لکزایی، بصیرت و آینده‌نگری او و داشتن عملکرد و کارکردهایی که با تأثیری پایدار و همیشگی است. بعد از حادثه تاسوکی و آن فاجعه‌ای که تروریست‌ها در منطقه رقم زدند، شهید لکزایی در حقیقت با اتخاذ تصمیمی که برای برگزاری سالانه مراسم شهدا تاسوکی گرفتند، با تمرکز بر مزار شهدا و تبدیل آن به یک مجموعه فرهنگی، با نشر آثار فراوانی که سالانه در راستای گردمیاختن این شهدا انجام دادند، یک جریان فرهنگی و یک عملیات روانی بسیار عمیق و تأثیر گذار برای افشای ماهیت تروریست‌ها در منطقه پایه‌گذاری کردند و امروز هم شما می‌بینید که در منطقه تروریست‌ها جایی برای تأثیر گذاری در منطقه ندارند و از گوشه و کنج، اقداماتی را انجام می‌دهند، به دلیل همین اتفاقات و همین برنامه‌های تأثیر گذار و داشتن ایده‌های روشن برای معرفی و شهادت تروریست‌ها بود که در شهید لکزایی در اوج خودش وجود داشت.

صفحه ۷

چهارشنبه ۲۸ مهر ۱۴۰۰

۱۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ – شماره ۲۲۸۶۸



یکی از افتخارات بنده این است که همکار ستادی شهید لکزایی در سازمان بسیج مستضعفین بودم. همکاری خیلی نزدیکی با هم داشتیم. می‌توانم یکی از ویژگی‌های ایشان را مصداق همین یاد ذکر کنم؛ ایمانی که ایشان به هدفشان داشتند، ایمانی که به راهشان داشتند، ایمانی که به امام داشتند، ایمانی که هم ایستاده بودند و نشانه‌اش هم عزیزانی را در این راه به واق تقدیم اسلام کرده بودند. مثل کوه، صبر و استقامت داشتند؛ کمابار ما از زبان ایشان نشنیدیم که پسر و داماد ایشان شهید شده‌اند. نشنیدیم گله‌ای کنند، بلکه یک رضایت‌مندی کامل از آن چیزی که پیش آمده بود در پیش بره‌های الهی داشتند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان که در منطقه زابل هست، بحث مردم‌داری ایشان و عامل وحدت بودن است. ایشان یک عامل وحدت در بین مردم شیعه و سنی بودند و هم از نظر تجرسی بودند. یکی از افراد را به معنای واقعی قبول داشتند و ایشان در منطقه، احترام خاصی برای مردم قائل بودند. خدمت‌گزار صدیقی برای مردم بودند برای خدمت به مردم سر از پا نمی‌شناختند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان که در منطقه زابل هست، بحث مردم‌داری ایشان و عامل وحدت بودن است. ایشان یک عامل وحدت در بین مردم شیعه و سنی بودند و هم از نظر تجرسی بودند. یکی از افراد را به معنای واقعی قبول داشتند و ایشان در منطقه، احترام خاصی برای مردم قائل بودند. خدمت‌گزار صدیقی برای مردم بودند برای خدمت به مردم سر از پا نمی‌شناختند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان که در منطقه زابل هست، بحث مردم‌داری ایشان و عامل وحدت بودن است. ایشان یک عامل وحدت در بین مردم شیعه و سنی بودند و هم از نظر تجرسی بودند. یکی از افراد را به معنای واقعی قبول داشتند و ایشان در منطقه، احترام خاصی برای مردم قائل بودند. خدمت‌گزار صدیقی برای مردم بودند برای خدمت به مردم سر از پا نمی‌شناختند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان که در منطقه زابل هست، بحث مردم‌داری ایشان و عامل وحدت بودن است. ایشان یک عامل وحدت در بین مردم شیعه و سنی بودند و هم از نظر تجرسی بودند. یکی از افراد را به معنای واقعی قبول داشتند و ایشان در منطقه، احترام خاصی برای مردم قائل بودند. خدمت‌گزار صدیقی برای مردم بودند برای خدمت به مردم سر از پا نمی‌شناختند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان که در منطقه زابل هست، بحث مردم‌داری ایشان و عامل وحدت بودن است. ایشان یک عامل وحدت در بین مردم شیعه و سنی بودند و هم از نظر تجرسی بودند. یکی از افراد را به معنای واقعی قبول داشتند و ایشان در منطقه، احترام خاصی برای مردم قائل بودند. خدمت‌گزار صدیقی برای مردم بودند برای خدمت به مردم سر از پا نمی‌شناختند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان که در منطقه زابل هست، بحث مردم‌داری ایشان و عامل وحدت بودن است. ایشان یک عامل وحدت در بین مردم شیعه و سنی بودند و هم از نظر تجرسی بودند. یکی از افراد را به معنای واقعی قبول داشتند و ایشان در منطقه، احترام خاصی برای مردم قائل بودند. خدمت‌گزار صدیقی برای مردم بودند برای خدمت به مردم سر از پا نمی‌شناختند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان که در منطقه زابل هست، بحث مردم‌داری ایشان و عامل وحدت بودن است. ایشان یک عامل وحدت در بین مردم شیعه و سنی بودند و هم از نظر تجرسی بودند. یکی از افراد را به معنای واقعی قبول داشتند و ایشان در منطقه، احترام خاصی برای مردم قائل بودند. خدمت‌گزار صدیقی برای مردم بودند برای خدمت به مردم سر از پا نمی‌شناختند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان که در منطقه زابل هست، بحث مردم‌داری ایشان و عامل وحدت بودن است. ایشان یک عامل وحدت در بین مردم شیعه و سنی بودند و هم از نظر تجرسی بودند. یکی از افراد را به معنای واقعی قبول داشتند و ایشان در منطقه، احترام خاصی برای مردم قائل بودند. خدمت‌گزار صدیقی برای مردم بودند برای خدمت به مردم سر از پا نمی‌شناختند.

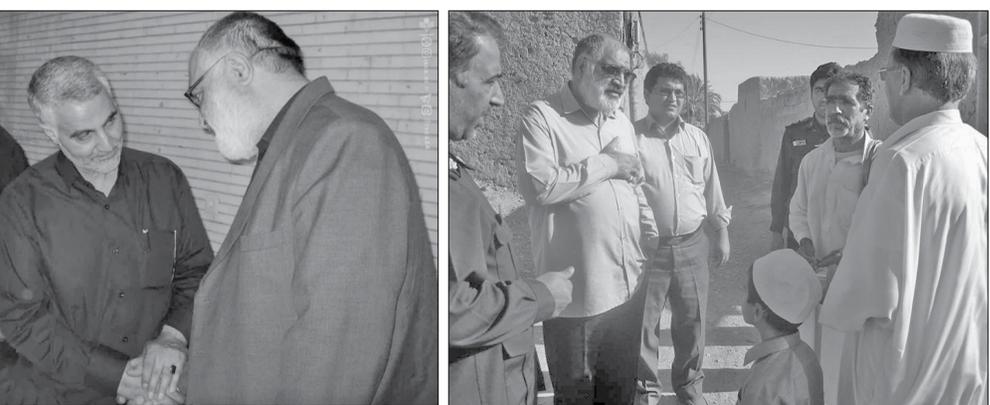
یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان که در منطقه زابل هست، بحث مردم‌داری ایشان و عامل وحدت بودن است. ایشان یک عامل وحدت در بین مردم شیعه و سنی بودند و هم از نظر تجرسی بودند. یکی از افراد را به معنای واقعی قبول داشتند و ایشان در منطقه، احترام خاصی برای مردم قائل بودند. خدمت‌گزار صدیقی برای مردم بودند برای خدمت به مردم سر از پا نمی‌شناختند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان که در منطقه زابل هست، بحث مردم‌داری ایشان و عامل وحدت بودن است. ایشان یک عامل وحدت در بین مردم شیعه و سنی بودند و هم از نظر تجرسی بودند. یکی از افراد را به معنای واقعی قبول داشتند و ایشان در منطقه، احترام خاصی برای مردم قائل بودند. خدمت‌گزار صدیقی برای مردم بودند برای خدمت به مردم سر از پا نمی‌شناختند.

یکی دیگر از ویژگی‌های ایشان که در منطقه زابل هست، بحث مردم‌داری ایشان و عامل وحدت بودن است. ایشان یک عامل وحدت در بین مردم شیعه و سنی بودند و هم از نظر تجرسی بودند. یکی از افراد را به معنای واقعی قبول داشتند و ایشان در منطقه، احترام خاصی برای مردم قائل بودند. خدمت‌گزار صدیقی برای مردم بودند برای خدمت به مردم سر از پا نمی‌شناختند.

ایشان یک چهره فرهنگی بودند. در عین حالی که جانشین سپاه سلمان بودند ولی هم در هیئت‌مدیره گزارا شهید، هم دبیری بنیاد مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، و هم دبیری ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر استان را به عهده داشتند. در تمام کارهای فرهنگی، در استان یک چهره کاملا فرهنگی بود. یک چهره شاخص و فعال و تأثیرگذار در مسایل فرهنگی به حساب می‌آمد و در عین حال با این ویژگی‌هایی که عرض کردم، فردی بسیار کم حرف و ساکت بود و این نیز از ویژگی‌های مردم خداسنت. به حد ضرورت صحبت می‌کرد. بیشتر اهل عمل بود. ت سا اهل حرف. معمولا مردان خدا اینطوری هستند؛ کم حرف و اهل عمل.

ایشان یک جانباز و ایثارگر ۷۷ درصد بودند ولی بیشتر همکاری‌ها نمی‌دانستند که مثلا درمرد جانبازی ایشان چقدر هست. این موضوع از اظهار نمی‌کردند و یک فردی بودند که دائم منتظر شهادت بودند: «وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ مَا بَدَأَ لَوْلَا آيَاتُهَا» ایشان مصداق این آیه بودند. همیشه وقتی می‌خواست از اتاقش بیرون برود، اتاقش را طوری آماده می‌کرد که گویا آخرین باری است که از آن اتاق می‌آید. همیشه در فکر شهادت بود. برای اینکه شهادت را درآید لحظه شماری می‌کرد. یک فرد منتظر شهادت بود.



وقتی از سپاه راهان برای انجام بازرسی‌ها و سرکشی‌ها راه می‌افتاد، حدود دو هفته، ده روز، طول می‌کشید تا دوبار لکزایی به راهان برگردد. یعنی اینچنین شبانه‌روز وقت می‌گذاشت تا بالا بآرد. خودهایی که در منطقه بر زمین ریخته شده، اینها پاسداری بشود و وارد طولانی و روشن شهدا با گام‌های بلند توسط مردم منطقه، توسط بسیجی‌ها طی بشود.

سردار محمد فرهادی مسئول وقت مرکز راهبردی بسیج مستضعفین که همکاری نزدیکی با شهید لکزایی داشته، این شهید و اقدامات را توصیف می‌کند:

مناطق همچوار، هدایت بسیاری از عملیات‌ها را در غوطه‌های شرقی و غربی، حومه فرودگاه بین‌المللی دمشق، درعا، از نفاعات حومه لاذقیه، حلب، سیهل الغاب و بسیاری از مناطق تحت اشغال تروریست‌ها در خاک سوریه برعهده داشت.

دشمن صهیونیست در جنگ ۲۳ روزه قصد داشت با پیشروی سریع، تمام منطقه جنوب رود «لیطانی» را تحت اشغال خود درآورد. برای این منظور ابتدا باید تمام نوار مرزی جنوب لبنان را تصرف می‌کرد.

حاج علاء برای مقابله با طرح دشمن، در شهرک «قُفْرا» مستقر شد و یک جبهه عملیاتی با مرکزیت این منطقه و دو شهرک «شافه» و «هربین» ایجاد کرد. او تمام مناطق این جبهه عملیاتی را با کمین‌های انفجاری و تسلیحات ضد زره تجهیز کرد. این اقدام باعث شد که دشمن در عملیات‌های خود در جبهه جنوب صور طی جنگ ۳۳ روزه، با شکست‌های قابل ملاحظه‌ای مواجه شود.

پس از پایان جنگ، طبق مأموریتی که از طرف حاج عماد مغنیه پیش از شهادت‌ش داشت، مجددا به رتفاتی توان نیروهای ویژه مقاومت اسلامی پرداخت. مدت زیادی از این مسئولیت نمی‌گذشت که آتش درگیری‌ها و اعتراضات در سوریه تبدیل به یک جنگ تمام عیار شد و غیر از تهدید مناطق مرزی لبنان، حرم‌های مقدس در سوریه نیز مورد تهدید گروه‌های مسلح تکفیری قرار گرفتند. مأموریت جدیدی در انتظار بود. \*\*\*

پس از پایان جنگ، طبق مأموریتی که از طرف حاج عماد مغنیه پیش از شهادت‌ش داشت، مجددا به رتفاتی توان نیروهای ویژه مقاومت اسلامی پرداخت. مدت زیادی از این مسئولیت نمی‌گذشت که آتش درگیری‌ها و اعتراضات در سوریه تبدیل به یک جنگ تمام عیار شد و غیر از تهدید مناطق مرزی لبنان، حرم‌های مقدس در سوریه نیز مورد تهدید گروه‌های مسلح تکفیری قرار گرفتند. مأموریت جدیدی در انتظار بود. \*\*\*

پس از پایان جنگ، طبق مأموریتی که از طرف حاج عماد مغنیه پیش از شهادت‌ش داشت، مجددا به رتفاتی توان نیروهای ویژه مقاومت اسلامی پرداخت. مدت زیادی از این مسئولیت نمی‌گذشت که آتش درگیری‌ها و اعتراضات در سوریه تبدیل به یک جنگ تمام عیار شد و غیر از تهدید مناطق مرزی لبنان، حرم‌های مقدس در سوریه نیز مورد تهدید گروه‌های مسلح تکفیری قرار گرفتند. مأموریت جدیدی در انتظار بود. \*\*\*

پس از گشوده شدن جبهه «خنصر» در حومه جنوبی استان حلب در ابتدای سال ۲۰۱۶ (زمستان ۱۳۹۴)، مقاومت اسلامی تلاش کرد تا نیروهای داعش و دیگر تروریست‌ها تکفیری را از این منطقه عقب براند. فرماندهی این نبرد را «حاج علاء» برعهده گرفت.

پس از گشوده شدن جبهه «خنصر» در حومه جنوبی استان حلب در ابتدای سال ۲۰۱۶ (زمستان ۱۳۹۴)، مقاومت اسلامی تلاش کرد تا نیروهای داعش و دیگر تروریست‌ها تکفیری را از این منطقه عقب براند. فرماندهی این نبرد را «حاج علاء» برعهده گرفت.

پس از گشوده شدن جبهه «خنصر» در حومه جنوبی استان حلب در ابتدای سال ۲۰۱۶ (زمستان ۱۳۹۴)، مقاومت اسلامی تلاش کرد تا نیروهای داعش و دیگر تروریست‌ها تکفیری را از این منطقه عقب براند. فرماندهی این نبرد را «حاج علاء» برعهده گرفت.

پس از گشوده شدن جبهه «خنصر» در حومه جنوبی استان حلب در ابتدای سال ۲۰۱۶ (زمستان ۱۳۹۴)، مقاومت اسلامی تلاش کرد تا نیروهای داعش و دیگر تروریست‌ها تکفیری را از این منطقه عقب براند. فرماندهی این نبرد را «حاج علاء» برعهده گرفت.

## برچمداران حسین (۲)

# علاء؛ فاتح بوسنی و شام

## روایتی از زندگی سردار شهید حاج «علی فیاض» (علی بوسنی) بنیانگذار و فرمانده سابق نیروهای ویژه مقاومت اسلامی لبنان

**محمدجواد مهدی‌زاده**

۱۵۱۰ متری، که فاصله زیادی هم از مناطق با اکثریت صرب‌نشین ندارد، این موقعیت را در اختیار شبه‌نظامیان صرب می‌گذاشت که با کمترین دردر، سراسر شهر سارایوو را هدف حملات توپخانه‌ای خود قرار داد.
هند.

تلاش طولانی مدت نیروهای ارتش بوسنی و هرزگوین در کنار داوطلبان مسلمان، مانع از رسیدن صرب‌ها به هدف‌ش برای سيطره کامل بر این قله در ماه‌های پایانی جنگ شد.

پس از هله در ماه‌های پایانی جنگ شد.

تلاش طولانی مدت نیروهای ارتش بوسنی و هرزگوین در کنار داوطلبان مسلمان، مانع از رسیدن صرب‌ها به هدف‌ش برای سيطره کامل بر این قله در ماه‌های پایانی جنگ شد.

پس از هله در ماه‌های پایانی جنگ شد.

تلاش طولانی مدت نیروهای ارتش بوسنی و هرزگوین در کنار داوطلبان مسلمان، مانع از رسیدن صرب‌ها به هدف‌ش برای سيطره کامل بر این قله در ماه‌های پایانی جنگ شد.

پس از هله در ماه‌های پایانی جنگ شد.

تلاش طولانی مدت نیروهای ارتش بوسنی و هرزگوین در کنار داوطلبان مسلمان، مانع از رسیدن صرب‌ها به هدف‌ش برای سيطره کامل بر این قله در ماه‌های پایانی جنگ شد.

پس از هله در ماه‌های پایانی جنگ شد.

تلاش طولانی مدت نیروهای ارتش بوسنی و هرزگوین در کنار داوطلبان مسلمان، مانع از رسیدن صرب‌ها به هدف‌ش برای سيطره کامل بر این قله در ماه‌های پایانی جنگ شد.